استقلال خپلواکی

خبر و تبصره

بی بی سی – علی حسینی ۲۸ نوامبر، ۲۰۲۶

۲۵ سالگی نشست «جلسهٔ» بن؛ اخضر ابراهیمی: اجماع، بر سر انتخاب یک رهبر پشتون بود

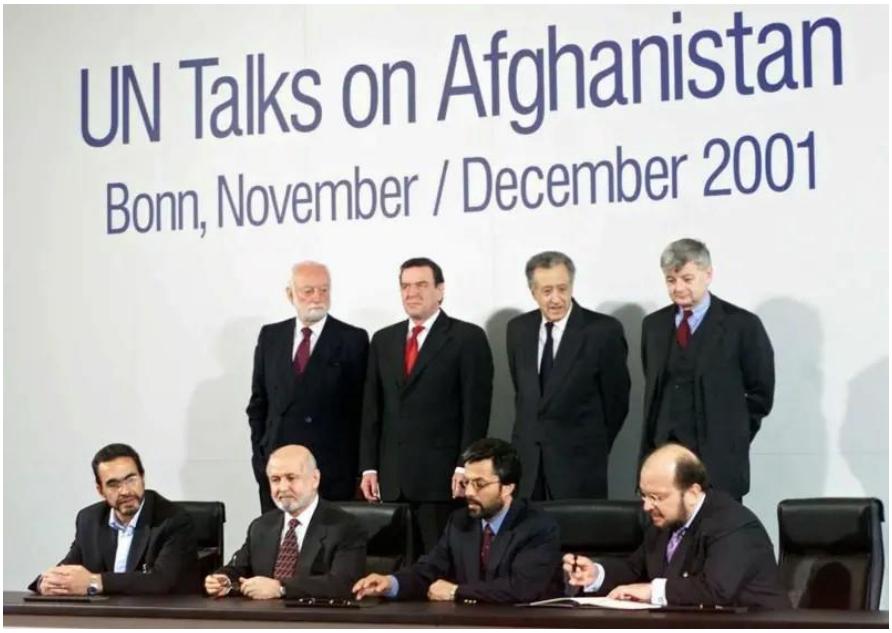

منبع تصویر،Getty Images

توضیح تصویر،نمایندگان چهار گروه حاضر در نشست بن در حالی امضای توافق نامه بن .

منتشر شده در۶ قوس ۱۴۰۵ - ۲۷ نوامبر ۲۰۲۶

چهار گروه از افغان‌ها در هتلی در یکی از امنیتی ترین مناطق شهر بن آلمان ۲۵ سال پیش گردهم آمده بودند تا بر سر یک نظام جدید برای افغانستان زخمی از جنگ به توافق برسند.

حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ خبرنگار بین‌المللی سوار بر یک کشتی بر رودخانه راین، در ۱۵ دقیقه ای این هتل ۹ روز منتظر بودند که بدانند نتیجه «کنفرانس سازمان ملل متحد درباره افغانستان» چه خواهد شد. این نشست«جلسه» پس از سقوط حاکمیت طالبان در تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۰۱ با حضور اعضای چهار گروه مشهور به «ائتلاف شمال، پیشاور، قبرس و روم» و نمایندگانی از ۲۲ کشور آغاز شد؛ نشستی« مجلسی» که در اواخر ماه نوامبر و اوایل ماه دسامبر همان سال، مهم‌ترین رویداد خبری جهان بود.

هر روز یک نشست «مجلس» خبری برگزار می شد و احمد فوزی، سخنگوی اخضر ابراهیمی، رئیس این کنفرانس که نماینده سازمان ملل متحد در امور افغانستان نیز بود، در این نشست‌ها «مجالس» به سئوال های خبرنگاران پاسخ می‌داد. او هر روز ساعت ۲ بعد از ظهر در «کشتی رسانه‌ها» نشست «جلسهٔ» خبری برگزار می‌کرد. انتخاب «ساعت ۲ بعد از ظهر» به این دلیل بود که مطبوعات اروپایی در برنامه‌های میان‌روز خود، مطبوعات افغانستان و منطقه در برنامه‌های خبری عصر و شب و در شرق امریکا هم مطابق ساعت هشت صبح، و در نتیجه همه رسانه‌ها بتوانند به موضوعات نشست بن «جلسهٔ بن» بپردازند.

در داخل هتل پیترزبرگ شهر بن اما، ۲۳ افغان از جریان‌های سیاسی متفاوت معمولا گفت وگوها را پس از افطار شروع می‌کردند که تا وقت سحر ادامه پیدا می‌کرد. از آن جا که ماه رمضان بود، میزبان‌های آلمانی وعده غذایی خود را تغییر دادند.



منبع تصویر،Reuters

توضیح تصویر،اخضر ابراهیمی، در دو نوبت از ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ و از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ نماینده خاص سازمان برای افغانستان بود

مذاکراتی از افطار تا سحر:

سازمان ملل متحد برای هر گروه یک اتاق اختصاص داده بود که اعضای آن در آن‌جا بحث می‌کردند و سپس همه در سالون عمومی جمع می‌شدند تا توافق نامه بن را نهایی سازند.

در ابتدا قرار بود که در ۷ روز، نتیجه، نهایی شود، اما به دلیل اختلاف نظر هیئت های افغان برسر تقسیم قدرت و تعیین اعضای اداره موقت مذاکرات تا پنج دسمبر ادامه یافت.

صبح روز نهم، ساعت ۹ هیئت های افغان چارچوب تشکیل اداره موقت، انتقال تدریجی قدرت و برگزاری لویه‌جرگه اضطراری و تدوین قانون اساسی را تعیین کردند. آن ها همچنین بر تشکیل حکومت فراگیر، مشارکت زنان، رعایت حقوق بشر و برگزاری انتخابات آزاد توافق کردند.

این اتفاق اما بدون تلاش یک شخص که از یک اتاق به اتاق دیگر هیئت ها می‌رفت و تا ساعت دو و سه پس از نیمه شب در حال گفت‌وگو و متقاعد کردن آن‌ها بود، بسیار دشوارتر می شد: اخضر ابراهیمی، نماینده ویژه «خاص» سازمان ملل متحد برای افغانستان.

او دیپلمات کارکشته الجزایری و از «نمادهای سازمان ملل متحد» بود که در مناطق بحران زده جهان کار کرده بود.

از چه زمانی حامد کرزی را می شناختید؟

در آستانه ۲۵ سالگی نشست «جلسهٔ» بن که توافق نامه برآمده از آن تاریخ سیاسی افغانستان را تغییر داد، مصاحبه ای با اخضر ابراهیمی انجام دادیم که در آن او می‌گوید که در مدت کوتاهی پس از نشست « جلسهٔ» بن باید این سئوال پرسیده می‌شد که طالبان کجا رفتند و چه اتفاقی برای آن ها افتاد.

سئوال اولم از آقای ابراهیمی این بود که از چه زمانی حامد کرزی را می‌شناخته است؟ این پرسش را از آن‌جهت پرسیدم، چرا که بسیاری از افغان‌ها زمانی که حامد کرزی به عنوان رئیس اداره موقت انتخاب شد، آن آشنایی را که با چهره‌های سیاسی داشتند، با آقای کرزی نداشتند. در صورتی‌که او در سال‌های منتهی به نشست «جلسهٔ» بن، فعال و در حال سفر به کشورهای منطقه بود.

آقای ابراهیمی پاسخ داد: «سه یا چهار سال پیش از کنفرانس بن با او ملاقات کرده بودم. گفت وگوی طولانی با او داشتم و می‌دانستم که کی است و پیشینیه خانوادگی‌اش چیست.»

به گفته آقای ابراهیمی، حامد کرزی در آن‌زمان تلاش می کرد که لویه‌جرگه ای برای حل مشکلات افغانستان برگزار کند.

در نشست «جلسهٔ» بن از آن جا که به گفته اخضر ابراهیمی، جریان سیاسی «جبهه متحد اسلامی برای نجات افغانستان» معروف به «ائتلاف شمال»، مجموعه ای از گروه های عمدتا غیرپشتون مخالف طالبان، اوضاع در افغانستان و در آلمان به نفع آن ها بود، این سئوال را از آقای ابراهیمی پرسیدم که چه شد که رئیس اداره موقت، یک پشتون انتخاب شد؟

پاسخ داد: « فکر می‌کنم همه افغان‌ها موافق بودند که بزرگ‌ترین جامعه، جامعه پشتون‌هاست. خود پشتون‌ها معتقد بودند که اکثریت مطلق کشور را تشکیل می‌دهند. دیگران می‌گفتند آن‌ها پرجمعیت ترین گروه هستند، اما اکثریت مطلق نیستند. به هر حال، همه می‌پذیرفتند که پشتون ها یکی از مؤلفه‌های مهم مردم افغانستان هستند. در حالی که تاجیک‌ها، هزاره‌ها و دیگر جوامع کوچک‌تر سلاح، پول و همه چیز در اختیار داشتند، پشتون‌ها هیچ چیزی نداشتند. افزون بر این، کشور به طور سنتی توسط پشتون‌ها اداره شده است. بنابراین، این موضوع نه صرفاً مهم، بلکه ضروری بود که رئیس‌جمهور باید پشتون باشد.»



منبع تصویر،Getty Images

توضیح تصویر،محمد یونیس قانونی، ریاست «ائتلاف شمال» را برعهده داشت.

به گفته آقای ابراهیمی در بین اعضای نشست «جلسه» اما (حتی در بین پشتون‌ها) کسانی بودند که موافق انتخاب یک «نامزد ازبک» بودند.

منظور آقای ابراهیمی، عبدالستار سیرت، از اعضای گروه موسوم به رم و نزدیک به محمد ظاهر، آخرین پادشاه افغانستان است که در آن زمان در تبعید و در رم ایتالیا زندگی می‌کرد. آقای سیرت در زمان حکمرانی محمد ظاهرشاه، وزیر دادگستری «عدلیه» بود.

او چند ماه پیش در گفت وگو با کانال «رسالت» گفت که قرار شد که انتخابات درونی گروه رم با نامزدی حامد کرزی، هدایت امین ارسلا و عبدالستار سیرت برگزار شود.

او گفت که «یک ساعت [بعد از شروع رای‌گیری،] گفتند که بیا تمام شد. وقتی [از اتاقم در هتل پیترزبرگ] بیرون رفتم، دیدم که در دهلیزها، انگلیسی ها و امریکایی ها، مثل این‌که سرشان قیامت شده است. بسیار حال شان خراب بود. یک دفعه، یک تا [نفر] دوید طرف من که کنگرچلوشن [تبریک باشد]؛ شما انتخاب شدید.»

آقای سیرت ادامه می دهد که وقتی پیش هیئت رفت، به او گفتند که «انتخابات کردیم و شما ۱۱ رای بردید (بدست آوردید)، کرزی دو رای برده و هدایت امین ارسلا، یک رای برده است»

سئوال مربوط به «انتخاب آقای سیرت» را از اخضر ابراهیمی پرسیدم که قضیه چه بود؟

«آن نامزد، مردی بسیار محترم بود و بسیاری از اعضای گروه رم می خواستند او رهبر شود. من تنها کسی نبودم که با دکتر سیرت، به‌عنوان رهبر آینده مخالفت می کرد. فکر می کنم صدای من، یکی از صداهای مخالف بود. می‌دانید، دابینز، تنها نماینده امریکایی‌ها در آنجا نبود. آقای خلیل‌زاد، زلمی خلیل‌زاد، که اصالتاً افغان بود هم، نماینده رئیس جمهور ایالات متحده بود. و فکر می‌کنم اجماع واقعاً به نفع حامد کرزی بود. همان‌طور که چندین بار گفته ام، متأسفانه وضعیت افغانستان در آن زمان این‌گونه بود. همه همسایگان افغانستان فهرست‌هایی از اسامی رهبران احتمالی افغانستان داشتند. و هر یک از آن‌ها ــ ایران، پاکستان، روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی در شمال ــ همگی حامد کرزی را به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی در فهرست خود داشتند. او تنها کسی بود که در تمام فهرست ها حضور داشت. بنابراین، فکر می کنم در آن‌زمان انتخاب او کاملاً روشن بود.»

به گفته آقای ابراهیمی رای‌گیری، انجام نشد و [بر سر انتخاب حامد کرزی بین افغان‌ها و نمایندگان کشورها] اجماع وجود داشت.

از او پرسیدم که پس وقتی آقای سیرت ادعا کرد که اکثریت را در اختیار داشته است، فکر می‌کنید ادعایش درست نبود؟

پاسخ داد:« نه، نه، نه. آن‌ها اکثریت را نداشتند. او از سوی گروه روم، (که با این نام یاد می‌شدند) پیشنهاد شده بود. منظور هیئت پادشاه بود. اما زود میان همه شرکت کنندگان اجماع کاملی شکل گرفت، به استثنای شاید پروفسور سیرت. و بعدها نیز میان اکثریت مردم افغانستان، اجماع به نفع حامد کرزی بود. می دانم که پروفسور سیرت دلایل زیادی برای ناامید شدن داشت. اما مطمئنم که باید متوجه شده باشد که در آن مرحله، شما مطلقاً به یک رئیس جمهور پشتون نیاز داشتید.»

او همچنین گفت که آقای سیرت به شدت از دستش عصبانی بود و شاید تا حدودی از دست خلیل‌زاد هم عصبانی بود. اما فکر می کنم در نهایت پذیرفت که این ۳۶ نفر حاضر در نشست «جلسهٔ» بن بودند که حامد کرزی را به‌جای او پذیرفتند.



منبع تصویر،Getty Images

توضیح تصویر،عبدالستار سیرت، (راست) رئیس «گروه رم» بود در کنار مصطفی ظاهر، نوه « نواسه» محمد ظاهر، آخرین شاه افغانستان

موضوع دیگری که آقای سیرت در این مصاحبه به آن اشاره کرد، عدم توجه به گروه طالبان بود.

او گفت: «نکته مهمی که امریکایی‌ها اجازه ندادند به آن فکر شود، این است که طالبان ۹۵ درصد کشور را اداره می‌کردند. و آن‌ها توسط هواپیماهای ایالات متحده شکست خوردند. آن‌ها کجا رفتند؟ چه اتفاقی برای آن ها افتاد؟ کجا بودند؟ به چه چیزی فکر می کردند؟ چه می کردند؟ قطعاً آن ها حمایت زیادی داشتند. قطعاً دست‌کم از مقداری حمایت برخوردار بودند، حتی اگر ائتلاف شمال می‌گفت که آن ها حمایت چندانی ندارند و از این قبیل حرف‌ها.»

به خاطر همین عدم توجه به گروه طالبان بود که اخضر ابراهیمی «نشست بن ۲» را پیشنهاد کرد. «هدف من از کنفرانس دوم این بود که نمایندگی گسترده تری نسبت به ۳۶ نفری که در بن گرد هم آمده بودند، تضمین شود. به افراد بسیار بیشتری نیاز بود؛ افرادی که اگر خود طالبان نبودند، دست‌کم به طالبان نزدیک بودند. همچنین، انتقاد زیادی از ما شده بود که فقط با کسانی گفت وگو کرده‌ایم که اسلحه داشتند. افراد زیادی اسلحه نداشتند و برای صلح در کشورشان فعال بودند. آن‌ها در بن نبودند. در بن حضور نداشتند. بنابراین، بیایید آن ها را گرد هم بیاوریم تا نظامی نماینده تر از آنچه تاکنون داشتیم، داشته باشیم.»

اما به گفته آقای ابراهیمی امریکایی‌ها با این نشست «جلسه» مخالفت کردند.

پیشنهادهای ایرانی‌ها: انتخابات و مبارزه با تروریسم:

جیمز دابینز، نماینده امریکا در امور مخالفان افغان در آن زمان، بعدها پس از این نشست «جلسه» کتابی نوشت با عنوان «افغانستان پس از طالبان».

او در این کتاب گفته که وقتی پیش نویس توافقنامه در کنفرانس بن برای بررسی توزیع شد، این ایرانی‌ها بودند که پیشنهاد کردند بندهایی در توافقنامه اضافه شود که بر اساس آن حکومت آینده افغانستان به برگزاری انتخابات دموکراتیک و مبارزه با تروریسم متعهد باشد.

از آقای ابراهیمی پرسیدم که آیا این موضوع درست است و این پیشنهاد ایرانی ها بود؟

پاسخ داد: «از یک جهت خوشحالم که دابینز تحت تأثیر ایرانی ها قرار گرفته بود. و در واقع، وزیر امور خارجه در آن روزها، مردی که بیش از همه او را می دیدیم، هنوز وزیر امور خارجه نشده بود. جواد ظریف... دکتر جواد ظریف مرد برجسته ای بود؛ بدون شک یکی از بهترین دیپلمات های جهان در نسل خود. بنابراین، دابینز بیش از آنکه تحت تأثیر ایران به‌عنوان یک کشور قرار گرفته باشد، تحت تأثیر او قرار گرفته بود. آن‌ها [ایرانی‌ها] تا حدودی سازنده عمل کردند. پاکستان، متأسفانه، در ابتدا دلخوری نشان می داد و مشارکت چندانی نداشت و علاقه ای نشان نمی‌داد. سپس دوباره علاقه مند شد.»

آیا طالبان دچار «گناه نخستین» شده‌اند؟

سال‌ها پیش از این مصاحبه من خوانده بودم که اخضر ابراهیمی، نبود نمایندگان گروه طالبان در نشست بن را «گناه نخستین» توصیف کرده است. از او پرسیدم که در آزمان احتمال دعوت از طالبان تقریبا صفر بود و با وجود این شما غیبت آن‌ها را «گناه نخستین» گفته‌اید؟

پاسخ داد:« نه، نه. منظور این نیست که کنفرانس بن مقصر بود. قابل درک بود که آن‌ها در کنفرانس بن حضور نداشتند. اما پس از آن، این شکست همه کسانی بود که به افغانستان علاقه‌مند بودند که سؤال بسیار ساده ای را مطرح نکردند: آن همه، شاید ۱۰۰ هزار تا ۲۰۰هزار نفری که کشور را تحت حاکمیت طالبان اداره می کردند، کجا رفتند؟ چه فکری می کردند؟ چه می کردند؟ به همین دلیل بود که نشست بن ۲ را پیشنهاد کردم.»

هنگام مصاحبه با اخضر ابراهیمی، صدای آمبولانس از بیرون می‌شد. اعتراض های دانشجویی« محصلی» در پاریس اوضاع را متشنج ساخته بود و صدای آن را من در لندن هم می‌شنیدم، در حالی که تمرکزم به ۲۵ سال قبل بود؛ نشستی «جلسه ای» که دو دهه تجربه بی‌پیشینه‌ای « سابقه» را برای افغان ها در پی داشت، اما عمرش از دو دهه فراتر نرفت و یکی از دلایل اصلی آن «گناه نخستینی» بود که طالبان را نادیده گرفت. از خودم می پرسم که آیا طالبان هم در حال تکرار «گناه نخستین» هستند؟ از خودشان اگر بپرسیم، پاسخ منفی است، همان گونه که پاسخ اشتراک کنندگان بن هم منفی بود.

پایان